

توضیح:

کارگران و زحمتکشان! این مقاله قبل از ترور "ما هنر" نوشته شده است، اما علیرغم اینکه "ما هنر" منقور و ترور گردید، برنا ما را شکر شده توسط او کماکان بقوت خود باقی است، برنا مدولت "ما هنر" اما ما همان برنا مدولت کنی "خواهد بود."

برنامه دولت 'باهنر': برنامه ارتجاعی و محکوم به شکست! دروغ پشت دروغ!

در زمان قیام، هنگامی که خمینی و سایر سرداران رژیم در پستی آن بودند تا بر بخش توده ها سوار شده و انقلاب را در نیمه راه متوقف سازند، هنگامی که خمینی و سایر برهبران مکتبی و لیبرال از قضا میسر و منتهی نشده ها و حجت داشته و با شما مقوا میگویند تا از نا سودی سیستم ما به داری و ایستاده جلوی کسری کنند، توده های مردم با وعده و وعده های بشمارای روبرو شدند. خمینی و شرکای دور غیردانش به کارگران و سایر توده ها می گفتند: ممکن فراهمی شما نسیم، آب و برق معاشی میدهم، کار و شغل تا همین سنگینم، گران و تورم را از بسبب مدیریت بر ما به داری را نا بود می کنیم و با لامر برای زحمتکشان یک زندگی عادلانه میسازیم، شما نسیم، خمینی در پشت زهر گفت: ما مثل دیگران و همسده نسیم، دهم ما محصل می کنیم.

★

کارگران جهان متحد شوید!

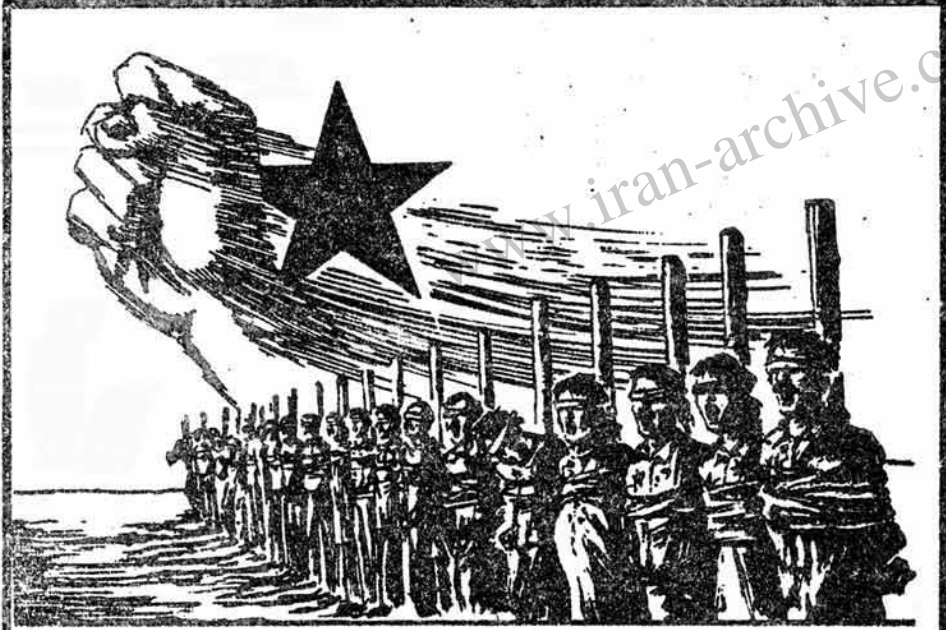
(۱۱۷)

پیکار

♦♦♦ سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ♦♦♦

سال سوم - دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۶۰ - بها ۲۰ ریال

کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی ناقوس مرگ رژیم را می نوازند



سازیم، انقلاب روس را در سال ۱۹۰۵ سرچشمه در هم شکستند، بلشویکی روس را در ژوئیه سال ۱۹۱۷ در هم شکستند، بیش از ۱۵ هزار تن از کمونیستهای آلمانی را تا بدمان و ونیکه با تفاق سوز وازی و زنیال های سلطنت طلب از آژامه فاسده جوشی ما هوانه و ما شورهای زیر دستا نه قتل عام نمودند، در فنلاند و مجارستان ترور سفید ادمیکندولی در کلسه موارد در همه کشورها کمونیسم آبدیده میشود و در شند می نماید، ریشه های آن جدی عمیق است کسسه بکردها آرا صیف و نا توان سا خنه، بلکه تفویض می نماید.

(لنین: "بهاره، کودکی (چپ روی) کمونیسم")

"نگذاریم سوز وازی به خود بسجده، از شدت خشم به سرحد جنون رسید، شورش را در آورده، اما قتل میکنند، پیش از وقت از بلشویکیها انتقام بگیرد و بکودتسا صدها هزارها و مدتها هزارتن از بلشویکیهای دیروزی با بلشویکیهای فردا را از ما دتر بکنند (در هندوستان، مجارستان، آلمان و غیره): بوز وازی با ایسن رفتار خود همان کاری را میکنند که کلبه طبقات از طرف تا ریخ به مرگ محکوم شده میگردد، کمونیستها با بدیدانند که آبدیده سهر حال از آن آنهاست و لذت ما میتوانیم (و موفقم) شور عظیم خود را در مسارزه عظیم انقلابی با خوسردا نه ترین و هشیارانه ترین حساب روی تقلالای دیوانه و ارجور وازی تسوام

شیادی طبقات استثمارگر در استفاده از جهل و عقب ماندگی توده ها

اگر مدعی شویم که در تمام طول تاریخ جامعه طبقاتی، جهل و عقب ماندگی، خرافات و اعتقادات ماورا الطبیعه، توده ها، موثرترین وسیله حاکمیت استثمارگران و استثمارکنندگان بوده است، سخن بگزاریم، نگفته ایم، برای به انقیاد در آورده توده ها هیچ چیز موثرتر از این نیست که اطاعت و بردگی جزا اعتقاد آنان شده و افکار وورها پشان به اسارت گرفته شوند، در این صورت آنان نه تنها بهره واری تسلیم توانگران میشوند بلکه همچون بردگان برای حاکمیت اربابان و خداوندان "شروت" "شهر خوا هند کشید، برای یک سرما به دارو مترجم چه بهتر از این که یک کارگر و زحمتکش شب و روز جان بکند، شمره کارش را ما همان سرما به بدزدند و سپس کارگر مزدور را بین جان کنند و آن غارت سرما به دارو قضا و قدر و سر نوشت الهی دانسته و طغیان علیه آن را طغیان علیه خداوند بدانند، و برای یک استثمارگر چه بهتر از این که بسک زحمتکش ما با از ان تمامی اطلاعاتها و بیندگیش را در این دنیا، در پشت موجودیت خود نموده و با از ان اطلاعات و بیندگی اش در انتظار این بهشت موعود بسیرد، آیسا چیزی مطبوع تر از این برای یک دولت استثمارگر وجود دارد که کارگران و زحمتکشان حاکمیت این دولت را حاکمیت یک نیروی غیبی که بر تمام کاشنا گذشته و آبدیده جهان سلط است، بدانند و اطاعت و بیندگیش را از حکومت اطلاعات و بیندگی از آن نیروی غیبی بقبه در صفحه ۶

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

برنامه دولت با هنر: برنامه ارتجاعی و محکوم به شکست!

اما توده‌ها با دیده چشم خود می‌دیدند که رژیم خمینی هرگز قادر نیست حتی یک قدم در راه منافع زحمتکشان حرکت کند. توده‌ها با بدتر تجربه می‌گردیدند که خمینی نیز مثل سایر خاشاکان به زحمتکشان و عده میبدها ما در جهت منافع سرمایه‌داران خونخوار عمل میکند. بعهد از سیاست خمینی خاشاکان و سایر سرداران رژیم به توده‌ها گفتند: دولت موقت بازرگان "دولت الهی" است و برای مردم سعادت و خوشبختی به ارمغان می‌آورد. اما گذشت زمان و عمیق تر شدن فقر و فلاکت توده‌ها نشان داد که "دولت الهی" بازرگان، حامی سرمایه‌داران و امیربالیست‌هاست. دولت بازرگان خاشاکان سازندویا بازرگان به کنار رفت. خمینی و سایر همسران مرتجع رژیم جمهوری اسلامی فریبکاری دیگری را شروع کردند. آنها گفتند: دلیل ادا نه فقر و فلاکت و گزافی و بیگاری اینست که کشور رئیس جمهور ندارد. پس هرگز کار با همانیت خمینی بر سر کار آمد. بنی صدر میگفت: من بی‌زومی اقتصاد اسلامی را بجز برای زمینکنم و مستمعان را خوشبخت می‌نمایم. اما بی‌زودی معلوم شد که اقتصاد اسلامی بنی صدر، اقتصاد فقر و گرسنگی برای کارگران و زحمتکشان است و بنی صدر خدا نقلابی جز با زاری سرمایه‌داری و وابسته کار دیگری نمیتواند انجام دهد و تمام وعده‌های او بوج و عوام مغربیان نبسته است به اذیت دیگران فریبکار جمهوری اسلامی نسخه‌ای دیگر ساز کردند. آنها علت عدم موفقیت رژیم در سپه‌دو بیخشدن به وضع زحمتکشان را فقدان دولت نامیدند. آنها گفتند: اگر دولتی مکتبی بر سر کار آید همه مشکلات حل خواهد شد.

دولت مکتبی رجاشی مرتجع بر سر کار آمد. بنی صدر لیسرال و رجاشی مکتبی دست بدست هم دادند تا با ملاحظ "مستمعان" را به سعادت برسانند! اما زندگی توده‌ها به آنها نشان داد سعادت که امثال بنی صدر و رجاشی میخواهند برایشان به ارمغان آورند چیزی جز گرسنگی بیشتر، گزافی بیشتر و سرکوب بیشتر چیزی جز دیگری نیست و تمام وعده و وعده‌های رئیس جمهور و نخست وزیرش فقط حرفهای بوج و خدا نقلابی است. زمان گذشت، حنک قدرت میان حزب جمهوری و لیسرالها با لاف و طرد لیسرالها و حذف بنی صدر از ریاست جمهوری انجام مید. خمینی و سردمداران حزبی که می‌دیدند نفرت و انزوا را از رژیم برای کارگران و زحمتکشان را فرا گرفته است و هر آن احتمال دارد این نفرت به آتش فروزانی تبدیل شود که کل رژیم را در لهیب خود بسوزاند، تبلیغات عظیم جدیدی بسازاد انداختند. خمینی جلاد و پهنشی ها و خاشاکان و رفسعانی های جنایتکار و تمام دستگا های تبلیغاتی صحبت از "انقلاب سوم" و "سراغ زحاکمیت مستمعان" نمودند. آنها که خود در کنار لیسرالها در ضامنا با ت و خیانت ها دست داشته و از مسیبین اصلی فقر و گرسنگی توده‌ها بودند جنین و انمودا ختنده علت عدم سپه‌بود

شرایط زندگی توده‌های بی‌تعمده تا کنون وجود لیسرالها در حکومت بوده است. آنها فریبکاران سه کوشیدند تا به توده‌ها بگویند که مکتبی ها "قرشنه نجات" بود و فقط لیسرالها ما مل بدخشی و سپه روزی مردم بوده اند! حال آنکه واقعیت اینست ما مفلک فلاکت توده‌ها کل رژیم طبقاتی حاکم و همه جناحها از قبیل لیسرالها، حزبها و خمینی ها بوده اند. درسی این تبلیغات خدا نقلابی رژیم خیمه شب بازی انتخاب با ریاست جمهوری را بر آید انداخت و بسا نقلیات و ریاکاری بسا بقه و نیز با ارباب و سرکوب، رجاشی مرتجع و کبودن را به ریاست جمهوری و بسا "با هنر" دینبرکل حزب جمهوری را به سمت نخست وزیری انتخاب نمود. و تمام سردمداران فریبکار رژیم در بوی و گزنا دمیده شد که لیسرالها رفتند. مکتبی ها آمدند و ایننگ تا قوس "سعادت و خوشبختی" توده‌ها بعد از آمد و "بهشت خودنستعفا" را فرار عبده و "حکومت اسلام" مستتر کرده اند.

امروز رژیم جمهوری انقلابی که همان حکومت اسلام و سرمایه‌داران است به زور سر نیزه و داروسرنا همه‌های مکتبی ارتجاعی خود می‌خواهد با ملاحظ خوشبختی برای توده‌ها به ارمغان آورد. چه دروغ و فریبکاری بزرگی! مگر حکومت سرمایه‌داران میتواند در راه خاشاکان و کارگران و زحمتکشان عمل کند؟ مگر حکومت جمهوری اسلامی در طول دو سال و نیم از حاکمیت خود نشان نداده است که به زحمتکشان گرسنگی و تیرباران میدهد و برای سرمایه‌داران و "تجار محترم" خونخوار سودهای کلان به ارمغان می‌آورد؟ آیا در طول دو سال و نیم مشقت رسوای خمینی خونخوار و دیگر مرتجعین حاکم و تمام دروغهای بی‌شماره آنها ن بر ملا نگشته است؟ آری، دروغ پشت دروغ! اینست منطق رژیم حاکم! امروز دولت ارتجاعی "با هنر" برنا مدارا شده نموده و مطرح ساخته که برپا به این برنا مع و استگنی به امیربالیست بطور قطع خاشاک می‌باید. "اقتصاد بدون استثمار شکوفا میشود" و "عدالت اجتماعیه به نفع توده‌های شتمکش" تا مین خواهد شد. ما برای اینکه نشان دهیم ما نند گذشته رژیمها زهم دروغ میگویند و فریبکاری میکند، ما برای اینکه نشان دهیم برنامهای رژیم ما نند همیشه در خدمت سرمایه‌داران و برفسد زحمتکشان است، ما برای اینکه اشات کنیم برنامهای رژیم آنها که از منافع مردم و مسازده علیهم السلام امیربالیست و سرمایه‌داری حرف میزند جز دروغ و تیریک چیز دیگری نیست. برنا مع دولت "با هنر" را به نقصد میکنیم تا ما هیت ارتجاعی و فریبکارا به آترا در پیش توده‌ها افشا نماشیم.

برنامه با هنر:
برنامه ورشکستگی رژیم

"با هنر" در توضیح برنا مع دولت میگوید این برنا مع "زمینه مناسب برای بروز خلاقیت های است بیجا خاشاکان بران در جهت رفع کامل وابستگی" تا مین می سما بدو علاوه "دولت سعی میکند زمینه لازم در جهت رفع تبعیضات تا روا و اوجا داد مکانات عادلانه برای همه مردم بخصوص طبقه مستضعف فراهم سازد" (کتابان ۲۶ مرداد ۶۰) برای اینکه نشان دهیم جفرا بن حرفها بی اساس بوده و رژیم بنا به ما هیت ارتجاعی خود قدا درسه انجام چنین اموری نمی باشد نکند هی کوتاه به سیمای اقتصاد ایران می اندازیم. واقعیت اقتصاد امروز ایران حاکی از آنست که نه تنها اهداف برنا مع "با هنر" بوج و عوام مغربیان است بلکه علاوه بحرران عمیقی که امروز برای اقتصاد سرمایه‌داری وابسته ایران را فرا گرفته تا زهم ژرف تر می‌گردد و حرفها و برنا معهای رژیم بدون پایه و اساس است.

در یک رژیم سرمایه‌داری "رفع کامل وابستگی" و "اجادا مکانات عادلانه" نیز و دروغی سن نیست امروز در عمرا امیربالیست هیچ سرمایه‌داری و از جمله سرمایه‌داری حاکم در ایران نمی سواد مستقل از سرمایه‌بین المللی به عیات خود ادا میدهد و علاوه در جامعه‌ای که مکتبی برانستما ریک طبقه توسط طبقه دیگر و قدرت در دست سرمایه‌داران است هرگز "مکانات عادلانه" نیمنع توده‌های زحمتکش نمیتواند وجود داشته باشد. رژیم جمهوری اسلامی که ما سادار بسیم سرمایه‌داری گنده و وابسته ایران است، نه می تواند مستقل از امیربالیست به زندگی نکیت ما خود ادا میدهد و نه میتواند "مکانات عادلانه" در جهت منافع کارگران، دهقانان و سایر مستمیدکان بوجود آورد. به علاوه این مسئله اساسی را با بدتر نظر داشت که رژیم جمهوری اسلامی میراث خوار رژیم سرمایه‌داری وابسته و بحرران زده‌ها خاشاک است. بسیم سرمایه‌داری ایران که در زمان شاه به بحرران شدید اقتصادی دچار گردید در زمان جمهوری اسلامی کماکان نه تنها بحرران عمیق خود را حفظ نمود، بلکه علاوه این بحرران را در ابعاد وسیع و بسا بقه‌ای تداوم بخشید و حال هنگامی که ما به ما هیت بورژوازی رژیم حاکم توجده نماشیم و با دنا هتجا بحرران موجود را دریا بسیم به آسانی میتوانیم عمق دروغین وعده و وعده‌های دولت "با هنر" را تشخیص دهیم. و با لاف و عقی متوجه شویم که بودجه دولت که برپا به آن برنا مع استوار میشود تا چه میزان ورشکسته است، شکست برنا مع دولت را از همین حال حاضر میتوان مشا هده کرد.

اقتصاد کنونی ایران اقتصادی وابسته و تنگ پایه است. منبری که ۳۲٪ از کل درآمدهای بودجه سال ۱۳۶۰ را در دست مدنت تشکیل میدهد. در بودجه سال برکنار و اما زمانک مرکزی و درآمدهای مالیاتی. میزان ۳۳ میلیار ددلار (۲۲۱۱ میلیار د

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

ربا (از محل درآمد فروش نفت در نظر گرفته شده است. به معنای دیگر آنچنان تولیدات داخلی دچار بحران و ورشکستگی میباشند که رژیم حاکم مجبور است ۷۷ درصد درآمد بدو بدهد تا متکی به فروش نفت کند. البته تحقق هفتاد درصد کارآیی نیست. زیرا تا همین اواخر مبلغ شروط به تولید و فروش ۳/۵ میلیون بشکه در سال با زار جهانی نفت توسط ایران میباشد. حال آنکه با توجه به وضعیت بازاریافت و بخصوص نقش غیر مستقیم سعودی این میزان از فروش قابل تأمین نیست. امروز خریستان با ۱۱ تا ۱۲ میلیون بشکه و ایران با ۲۲ میلیون بشکه (۲۲ دلار در مقابل هر بشکه) با زار فروش جهانی را اشباع نموده است و به همین خاطر کارگزاران بین المللی نفت با ما به هر دست از رژیم سرسپرده عربستان انکار خواهند نمود. و بنا بر این رژیم ارتجاعی خمینی قادر به فروش ۳/۵ میلیون بشکه نخواهند شد. در واقع اگر چنانچه وضعیت بازاریافت به صورت فعلی ثابت بماند ایران تنها ۲/۵ میلیون بشکه میتواند بفروشد برساند. و در این میان است که ما متوجه میشویم رژیم اما سی درآمد بدو در رژیم جمهوری اسلامی دستخوش کسری قابل توجهی میباشد. کمبود رز برای اقتصاد نیک ما به وواسته ایران امروزه عامل شکننده و بسیار مهمی تعدیل شده است و بودجه دولت "با هنر" تا کسری فزاینده برداشت شدیدی مواجه خواهد بود.

السید این مسئله یک معادله اقتصاد است. به عنوان مثال باید گفت اگر چنانچه به فرض ۳۳۰ میلیارد دلار از محل فروش نفت تا همین کرد، رژیم طبق بودجه دولت ۲۰ میلیارد دلار از مبلغ فوق را صرف خرید کالا از کشورهای امپریالیستی و سوسال امپریالیستی و سایر رژیمهای ارتجاعی خواهند نمود. اما از آنجا که رژیم قادر نیست از مورد نیاز خود را از محل فروش نفت تا همین تا همین نماید تا کسری به درافت و امپریالیست تا مرکز روی می آورد. لازم به یاد آوری است که بدهی دولت در سال ۱۳۵۸ به بانک مرکزی به میزان ۱۴۲۴ میلیارد ریال بالغ میشود. این بدهی در سال ۵۹ به میزان ۲۶۲۲ میلیارد ریال اضافه گردیده است. (۸۵ درصد افزایش) و بر واضح است که در بودجه اسامال (۱۳۶۰) بدهی دولت به بانک مرکزی ایما دسیما بقای بخود خواهد گرفت. و این امر بیان منحنی ورشکستگی اقتصاد رژیم بوده و روشن است که این ارز بدون پشتوانه، تورم کسترده تری را دامن خواهد زد. بدین ترتیب رژیم برای مقابله با کمبود ارزی نه تنها به اخذ وام بیشتر روی آورده و در نتیجه تورم و کرائی را دامن میزند. بلکه علاوه بر طریق اخذ وامهای تنگین بیش از هر زمان دیگر به کارگران و زحمتکشان فشار خواهد آورد. در بودجه ۶۰ درآمد مالیاتی دولت مبلغ ۵۲۴ میلیارد ریال بیش از پیش شده اما روشن است که سهم اساسی این مبلغ از طریق اخذ وامهای غیر مستقیم که فشار اصلی آن بر دوش زحمتکشان است تا می خواهد شد. در سال گذشته سرما به داران و تجار یعنی همان کسانی که در نظر خمینی حلال محترم می باشد ۱۲۰ میلیارد تومان سود بردند. حال آنکه باستان فقط ۳/۵ میلیارد تومان مالیات برداشتند. در مقابل رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی مبلغ اصلی درآمد مالیاتی خود را از محل مالیاتهای غیر مستقیم تا می نمود. در سال آینده فشار برای اخذ مالیات از زحمتکشان شدیدتر خواهد نمود. حال آنکه سرما به داران به میزان سازه کمتری نسبت به سال قبل مالیات برداشت خواهند نمود. زیرا رژیم جمهوری اسلامی در پی سامان دادن به وضع ورشکسته اقتصادی سرما به داری وابسته است و خواهان افزایش تولید و سود سرما به داران است. به

همین منظور "با هنر" مرئوس در سرنا به خود از یکسو از تشدید سرکوب فاشیستی در کارخانه صحبت میکنند و اسم آنرا "بجای نظم انقلابی ذرو ا حدهای تولیدی جهت بالابردن سطح تولید" میکنند و از سوی دیگر صحبت از "بجای انگیزه برای جلب سرمایه های خصوصی در بخش کشاورزی از طریق بخشودگی بیباکی مالیات" و در دسترس قرار دادن عوامل تولید "میکنند و اعلام میکنند که برای سرما به داران "روش های مناسب در تهیه مواد اولیه" اتخاذ می نماید و قول میدهد که "کمک و تشویق صنعت - کران" از جانب دولت حتی خواهد بود. (رجوع شود به سرنا به دولت)

با توجه آنچه گفته شد درمی یابیم که بودجه - اقتصاد رژیم یک بودجه ورشکسته و وابسته است و به همین لحاظ، ما همانا در نسبت سرنا به ما را باید دید. کشتار و استکباری را از میان بردارد. نمی توان سلطه سرما به داری را محفوظ داشت و در همین حال وابستگی را از بین برد. برای از بین بردن وابستگی تا باید رژیم سرما به داری را ریشه کن نمود. بنا بر این وقتی "با هنر" در سرنا به خود از "رفع کامل وابستگی" صحبت میکنند و سرنا به ارتجاعی آن را در خدمت "بجای امکانات" عادلانه "تنوع زحمتکشان" ارزیابی میکنند ما به عمق درونخیزد از بهای این نماینده مکتبی سرما به داران بی مبرم. در حقیقت ما توجه به عمق بحران ما خنثی موجود و نیز ما هیت طبقه حاکم و عقب مانده مکتبی سیاسی فرهنگی آن رژیم جمهوری اسلامی نه تنها نمی تواند بقدم در راه منافع زحمتکشان بردارد بلکه حتی قادر نیست بحران اقتصاد سرما به داری حاکم را تخفیف دهد. سرنا به رژیم که اقتصاد ورشکسته رژیم شاه را ورشکسته تر کرده، سرنا به رژیمی که کشتار و رزی به انحطاط کشیده شد رژیم شاه را خراب تر نموده و سرنا به رژیمی که استعمار و فساد و رگرزی زمان شاه را وسیع تر ساخت به حکم ما هیت طبقه خود هرگز نمی تواند یک اقتصاد بدون استعمار را برپا نماید. رژیم و دیگر سرمداران رژیم خود اعتراف می نمایند: "سرنا به های ما ادا به همان سرنا به های پنجم رژیم گذشته است و در حقیقت ما مجری سرنا به پنجم رژیم گذشته هستیم." (میزان ۶۰/۳/۱۰) آری در حقیقت و براساس رژیم جمهوری اسلامی در همان راهی به جلو میروند که رژیم شاه میرفت و سرنا به "با هنر" در همان خطی به پیش میروند که سرنا به هویدا میرفت. سرنا به "با هنر" سرنا به استیصال و ورشکستگی است.

سرنا به ارتجاعی دولت "با هنر" که ادا به سرنا به ما زکمان، یعنی صدور جانی است همان سرنا به بازسازی سیستم سرما به داری وابسته است و هرگز نمی تواند برای زحمتکشان "رفاه و خوشحالی" به را مان آورد. این سرنا به همان سرنا به های گذشته سرکوب بیشتر و فقر و فلاکت بیشتر برای طبقه کارگر و زحمتکشان موجود می آورد. در بودجه ۱۳۶۰ دولت مبلغ ۳۳۰ میلیارد تومان به عنوان کل هزینه دولت در نظر گرفته شده است. هزینه دولتی خود به دو بخش تقسیم میشود: ۱- هزینه های عمرانی (ساخت راه و بند و کارخانه و ...)

۲- هزینه های جاری (اداری، نظامی، پلیسی، ...)

برنامه با هنر:
برنامه سرکوب انقلاب
وقتی به ترکیب هزینه های بودجه تنگانی میسی افکیم متوجه می شویم که این بودجه و در پی آن سرنا به دولت، بودجه و برنا به سرکوب و خفقان است. در حالیکه بودجه عمرانی به مبلغ ۱۱۰ میلیارد تومان میرسد.

بودجه جاری یعنی بودجه دستگا دولتی و سرکوب انقلاب به مبلغ ۲۰۵ میلیارد تومان بالغ میشود. البته بنا به افرا موش کرد که منظور حتمی شدن دیگری از بودجه عمرانی بطور مستقیم و غیر مستقیم به بخش بودجه جاری انتقال خواهد یافت. بهر حال این مبلغ عظیم نشانگر اهداف ارتجاع حاکم در قبال جنبش بوده ای و انقلاب میباشند. به عنوان مثال بودجه پلیس قضا سی یعنی یکی از اجزای دستگاه استگری طبقه حاکم نسبت به سال قبل ۲۰٪ افزایش یافته است. افزایش این بودجه دقیقاً در خدمت تحکیم قوه قضا و در جهت سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی است. بهشتی - های مزدور و اردیسلای های حاشی با تگا همین بودجه است که علیه انقلاب توطنه می جینند و کارگران و زحمتکشان را با تصویب لوایح ارتجاعی و از جمله لایحه سیاه قصابی مورد سرکوب قرار میدهند و احکام تیرباران کمونیستها و انقلابیون را در می نمایند. اگر چه بخشی از بودجه هزینه های جاری به هزینه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و خرید سلاح از امپریالیستها و رژیمهای دلال مانند رژیم صهیونیستی اسرائیل اختصاص دارد. لیکن بخش اساسی آن در جهت تحکیم و گسترش ارگانهای سرکوب از قبیل با سداران، بسیجی ها، حزب اللهی ها، ارتش، زندانها، دادگاهها و غیره بکار گرفته میشود. اوج گیری آتی انقلاب و وحشت رژیم شبکها را که از شدت زرات طبقاتی و نافرمانی - های عمیق بوده ها سرمداران رژیم بود دولت "با هنر" و بران داشته تا بودجه جاری را به بودجه زندان و سرکوب و قتل عام تبدیل نماید. و دقیقاً در همین رابطه "با هنر" فدا انقلابی در توضیح سرنا به ات میسی گوید: "دولت مصلحت است این حرکت تند را منبسطی بفرسد گروهکهای وابسته به امریکا را ادا به دهد و براداران ما مصلحت انداخته با کسری کامل محیط با بستند و اجازه ندهند که مملکت ما به دست فدا انقلابیون بیفتد" (زکمان ۲۵) فرداد) ویسی سب نیست که اطلاعیه مشترک حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به مراحت و بطرزی فاشیستی بر سرکوب و خشیانه انقلاب تا کید دارد. آری یکی از هدفهای اساسی سرنا به "با هنر" تشدید سرکوب فاشیستی انقلاب است.

برنامه با هنر:

برنامه فقر و فلاکت نوده ها

در کار سرنا به ریزی جهت سرکوب انقلاب و نیروهای کمونیستی و انقلابی سرنا به "با هنر" در خدمت تشدید فقر و فلاکت طبقه کارگر و سرتوده ها است. اگر چه "با هنر" ما نندهمه سرمداران رژیم معنوی برنامه دولت را "حرکتی برای پیروزی مستضعفین - مستکبرین" و "بران ساختن تضمین طبقه ای" مینامد لیکن حقیقت آنستکه سرنا به "با هنر" نه در خدمت "رفع تضمینات نا روا" بلکه در جهت گرسنگی و فلاکت بیشتر توده ها است. سرنا به دولت "با هنر" یک سرنا به سرا تا تورم زاست. این سرنا به تورم و کرائی را تخفیف نداده بلکه بموجب تورم و کرائی را ادا دهشتناکی خواهد داد. اتخاذ سیاست درهای با زدم قابل کالاهای امپریالیستی و انتقال تورم به ان امپریالیستی به ایران، و برانی تولید، گرفتن وامهای بدون پشتوانه (از بانک مرکزی) غارت متحرکان، مالیاتهای سنگین دولتی و غیره تورم و کرائی را بسیار افزایش خواهد داد. در حال حاضر تورم نه تنها سنگین است که حتی نمایندگان حکومتی نیز ناچار به اعتراف میباشند.

بیمه از صندوق شادی ...

طی دو سال و نیم حاکمیت جمهوری اسلامی سر - مداران این حکومت در هر روز رنگا رنگی و هر آنجا که پای حساب و معات رژیم به میان آمد، نیروهای غسی را کمک گرفتند شخصی خود را بنا بر بدهی خود در روی زمین و گاه در بر چلکی و جویانه بای خود جدا کرد . احکام و فصولی که ما در نمود همگی ذال بر این بود که این رژیم معیوب خداوند بوده و کارگران و رزمندگان را بد برای نشتن آن خود را فدا کنند و با هر مخالفی که بخواهد علیه سر ما بداران دست از پا دراز نموده و این حکومت سنگترا نه را نندیزد ، سه عنوان کار فرموله دبا او بخت کنند ، رفرا اند رژیم - جمهوری اسلامی واجب شرعی کشت ، همانست اردولست سازگان " تکلیف شرعی " شمرده شد و طرفدار و نیز همسپور اعتصاب و تعین کارگران و رزمندگان برای احقاق حق خویش حرام و گناهنا بخوشی تلقی شده و سه عنوان حکم علیه خدا و رسول او تلقی شد که است " جهنم " و " عذاب دوزخ " همچون شمشیر دایمی بر سر نهاده های ما آگاه و فرا گرفت نا آنها در ن صدوق های انتخابات کشنده شوند همگام کار فرموله برای خلق کرده ما در دوسویس نما ران شهرهای گردستان و کتسار و سرکوب خویشین نهاده های خلق کردیم عنوان " لنگر شطان و کفر " واجب شد ، کتسار ما موبی ما بقیه - کمونست ها و انقلابیون ، منظور کلی نهاده های آگاه ، " واجب شرعی " شمرده شد و دستور داده شد که کمونیستها و انقلابیون مجروح را تمام کتسار (جاز) کرده و جنازه های آنان را " سی کفن و دفن " در برتگا هسی به کوه دال اندازند .

حائوسی ، خبر خوشی بفرموده ای در زمین کارگران و رزمندگان و پیا خاندن همبستگی طبقاتی آنسان ، " واجب شرعی " شمرده شد و چنین مقرر شد که اگر کسی با حکومت همکاری ننماید ، بعنوان " معارب با خدا " و رسول او " شناخته میشود ، آری اینست استبداد سر ما به برپا به جهل و تا ریگی ، اینست معنای استفساده از " نیروهای غیبی " برای حاکمیت یک طبقه است و کارگران و رزمندگان ما .

زمانیکه خمینی میگوید : شرکت در انتخابات و پیا حائوسی همانند خواندن نماز واجب است و سر بیجی

سویا لیم با این تسلیمات مرورا نه درسی آندندنا زمینه مستعدی برای نفوذ سویا لیم امیر با لیم سوری فراهم نما بند و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را در جهت منافع خاص اربابان روسی سون دهند ، سه همین منظور آنان میگویند تا حساب ها که مدافعان انقلابی را در اس راه تنویق نموده و بدهی خود را با فریب سنا بر این دولتی کردن واردات به مجموعه اهدا می فدا میر با لستی نسبت و گما گان ما هیت بر ما بداران و غارتگرانه خود را حفظ میکنند ، تا شما در شرایطی کسه بحران برای ما معمر افرا گرفته است و رژیم ما کسم مواجه با مشکلات عظیم اقتصادی و مالی میباشد دولتی کردن یک سنا ز سر ما بدهاری حساب می آید ، در این سرباط رژیم میگویند تا برای مقابله با کمبود ما سبج ارزی خود ، برخی رشته های واردات را بندت گرفته بنا بدین طریق قدرت مالی خویش را افزایش بخشند . سنا بر این دولتی کردن یک سری از گالاهای وارداتی در ارتباط با تامین منابع مالی رژیم بورژوازی می - باشد ، تا سنا رژیم جمهوری اسلامی با تسلیمات عظیم خود در باره " تعارت ملی " در مدد فریبش نهاده ها و سبج آنها به حول خود می باشد در موقعیتی که نهاده های عظیم کارگر و رزمندگان حکومت منور را کم نفرت دارند و ما معمر در انتظار نفع رها نا گهانی است رژیم برای جلوگیری از انفرا دیستروکسوط محتوم خود بیسه تسلیمات فریبکارانه دست میزند و بنا جا زدن خود بیسه عنوان یک رژیم " فدا میر با لیم " درسی ، خلق سلاح نمودن نهاده ها می باشد ، اما نهاده های آگاه می که ما رها دروغ بودن ادعای رژیم را با تمهید فرار اده های اسارت آور از جمله با ترکبهای مرده ، شاکسوت ، جنرال - موزوز ، ستروشی می ژان و غیره دیده اند و ما هیت کرده اند که رژیم در حرمان کاروگا نگیری ما بختن سون ۱۱ میلیار د دلار به امیر با لیم امریکا دوستی خود بیسه امیر با لیم امریکا و دشمنی خود را نسبت به منافس خلق نشان داده است ، فریب تسلیمات دور زمین رژیم را نمی خورند ، نهاده های آگاه و بر ما س تجربه و آگاهی خود میداند که دولتی کردن واردات ما سنا دولتی کردن ما سنا و برخی منابع هیچ دردی را از ان سوه دردهای عظیم آنان درمان نخواهد کرد و گما گسان بسترد و تمحیق ما رزه طبقاتی سنا راه در قسائل رژیم سر ما به داری جمهوری اسلامی می باشد .

از نقطه نظر طبقه کارگر دولتی کردن اقتصاد توسط بورژوازی هیچ تغییری در وظایف افساسی انقلاب بوجد نمی آورد ، دولتی کردن اقتصاد حاکمیت بورژوازی تکی از اقتصاد سر ما بیسه داری است و هر کسی غیر از این وانمودا زده فریبکار است و فریبکاران دشمنان طبقه کارگر و انقلاب اند ، امروز رویزیونیستهای خیانت بیسه سر ما به داری دولتی را مدعی نموده و بیسه همین لحاظ در پی تقویت کرابش منحنی در رژیم جمهوری اسلامی و حزب جمهوری اسلامی می باشند که طرفدار سر ما به داری دولتی است ، اما کمونیستها سناست به بگری دارند ، کمونیستها میداند که رژیم ما کما نوجه به ان سوه مشکلات اقتصادی و مالی و در ما ندکی و عز خود تا توان از هداست یک اقتصاد دولتی است ، امروز رژیم تسلیمات فراوانی در ساره دولتی کردن تجارت خارجی بر اهدا نخته است و لسی با بدینسان داشت که در اجرای همین امر کلا ما جسر است ، این اقدام محتاج سر ما به گذاری وسیع ، کساد شخصی ، مدیریت متمرکز و سربورژوازی و غیره است ! حال آنکه رژیم ما که در شرایط کنونی فاقتد توانایی لازم در جهت فراهم نمودن این امکانات می - باشد ، استحصال و در ما ندکی حکومت بعدی است که

از آن سر بیجی اردو سر حداست و با زما سیکه میگرد : گما سیکه سوه کمیند (یعنی دست از ساره انقلابی غلبه ارتجاع برداشته و سگا کران و رزمکنان پشت کسد) جدا و نه سوه آنها را میپذیرد " جز اینست که خود را سنا بنده خدا و با خود خدا میداند ، و آنکا برای آن نهاده نا آگاه و مولان رزمکنش عقب مانده شهری و سنا روستایی که یک عمز با تعلیمات و احساسات مذهبی سربنظر همین روحانیت خود گرفته است ، چه عکس العملی مستوا سید خود آید ؟ موا ر د بسیار می باشد نهاده است که بسیار از افراد نا آگاه و غیر غم عمدتا عقدا خویش به حکومت صرف " تکلیف شرعی " سنا این سنا آن انتخابات رفتند ، گوا اینکه مسلما همین نهاده در حرمان تجربه زندگی خویش به سنا داری حکومت سی برده با دسن و مذهب را یکی کتا رکذاشته و با حداقل حکومت را سنا دخواستند ، اما بطور که تا کتون چنین نهاده است - اما حکومت بهر صورت سوا استفاده خویش را در واداشتن نهاده ها سنا طاعت و فرما سرداری از نظام سر ما به داری در سنا نگیری در مان خلق در حفظ و حراست جهل و تا ریگی به سنا زنی که کار سوری داشته است ، برده است .

اگر حکومت سنا از این نتوانسته است ، با زهم بدلیل رشد روز افزون آگاه می در نهاده ها بوده است ، اگر حکومت روز بروز و صورت مشخص امروز سرکوب همه جا سنا و وحشیانه ، قتل عام ... را در دستور قرار داده است ، سنا میدهد که سلاح فتنه انگیزی و عوا مفر بیسی رژیم استک سنا رکنده است .

و عدت دین و سیاست با ردیکر در ایران در سبک نظام سر ما به داری با گرفت و سه اوج خویش رسیدنا بقول مارکس " از همان سالا به اهما در وقتا سبج سقوط نماید " ، تردیدی نیست که رژیم جمهوری اسلامی رفتنی است ، این رژیم تسلیمات زما داری راه غلبه های قهرمان ما تحصیل خواهند نمود ، اما چه بدلیل ما هیت بر ما به داری و سنا وجه بدلیل خصمه های قسرون وسطایی اش در مقابل حرکت تاریخ ، در مقابل حرکت سنا آما و غروشان جنش نهاده ها و در مقابل آگاه سنی روز افزون نهاده ها نا بود خواهد شد .

جداشی دین از سیاست خواست دموکراتیک وانکا رنا پذیر انقلاب دموکراتیک ایران است !

فرزندان خلق و سرکوب انقلاب میمانند ، طبقه کارگر و دیگر رزمندگان فریب این سنا ، سنا راه ارتجاعی خواهند خورد و سرکس این سنا به خود بیسه هر مدبگری در جهت نشتیدن را مینتی ها و سنا زات نهاده ها تبدیل خواهد شد ، امروز خمینی جلاد همه سرمداران مکتبی و خون - خوار حکومت و نیز نوکران دون مفت بورژوازی یعنی رویزیونیستها ، کارگران و رزمکنان به انتظار نمرات این سنا به فرامیخوانند ، همه این جناپتکاران در پی آندنا نهاده ها را بفریبند و حکومت منفسور جمهوری اسلامی که همان حکومت جهل و ترور و سر ما بیسه است را از زیر طبقات مبارزه طبقاتی نجات بخشند ، اما نهاده های آگاه مردم که تجربه دولت سازگان ، رباست جمهوری سنی صدر ، دولت رجایی را در بیست سر خودا رند دیگر فریب این شهکاران را نخواهند خورد ، آنها دیگر فریب تسلیمات خمینی مکار و جلا د را نخواهند خورد ، آنها به تجربه درک کرده اند که دولت لبرال و دولت مکتبی و برنا به های آنان همه در خدمت سر ما به داری و بر فدا انقلاب نهاده است ، آری طبقه کارگر و سنا بر سنا بدنگان ایران امروز برنا به خاص خویش را دارند ، این برنا به عبا رتست از ادا سنا انقلاب علیه بورژوازی و رژیم جهل و ترور و سر ما بیسه جمهوری اسلامی !

دولتی کردن تجارت خارجی را دشوار ساخته است و بیسه همین خاطر همه سرمداران رژیم صحت از " اجرای تدریجی و آرام " این طرح میکنند ، ولی بهر حال با بد سنا داشت در صورت برقراری اقتصاد دولتی و دولتی شدن تجارت خارجی طبقه کارگر هیچ امتیازی بیسه بورژوازی نخواهد ادا و بیسه جوجه حمایت از آن بلند نخواهد شد ، از نظر طبقه کارگر سر ما به داری ، سر ما به داری است و بورژوازی ، بورژوازی است ، حال در شکل عمومی ما دشواری در شکل دولتی آن ، برخلاف هوائت ارتجاعی رویزیونیستها برولنا برای آگاه تسلیم بورژوازی نخواهد شد و سلاقی سنا طبقاتی را همچنان سر کرده بورژوازی جناپتکار خواهد گوید .

ما سوجه به آنچه گذشت درمی با سیم که برنا بیسه دولت ارتجاعی " سنا هنر " برنا مهای درو عبیر از انه و ارتجاعی و در خدمت منافع بورژوازی حاکم است ، این برنا به همه سنا دیگر برنا به های رژیم جمهوری اسلامی سنا به ما هیت فدا انقلابی اش قادر نیست قدمی در راه منافع نهاده ها بردارد ، برنا به " سنا هنر " برنا بیسه بورژوازی است و فقط سنا سر ما به داری می خورد ، این برنا به ، برنا به فقر و فلاکت نهاده ها و تیر ساران

بقیه از صفحه ۱ شاید ...

بدانند. آیا چیزی مطبوع تر از این برای یک دولت استثنایک وجود دارد که توده ها تصور نمایند که شورش بر علیه این حکومت به معنای شورش بر علیه خداوند و بر علیه دفاع از این حکومت و شمشیر کشیدن بر آبی یعنی دفاع از خداوند و شمشیر کشیدن برای است. آیا چیزی مطبوع تر از این وجود دارد که توده ها تصور نمایند که دفاع از این حکومت شماره اش "بهینت موعود" و بر علیه مبارزه علیه آن عذابش "جهنم سوزان" است. آری القاد و تسلیم به موهومات مذهبی، استفاده وسیع از خرافات و اعتقادات دینی، از طرف طبقات استثنایک و بر علیه مستقیم و موثری بوده است که توده ها را داخل و طغیان به باطنیاستمکران و استثنایک رکنان کثافته است.

ما در طول تاریخ بخصوص در عصر کنونی ما سوار فریاد می مواجه هستیم که طبقات استثنایک رگ رگ نبه اند. حاکمیت ارتجاعی خود را امری الهی و "مقدس" جلوه دهند و بیوغ ست طبقاتی و ملی را که بر دوش توده های زحمتکش گذا رده اند، تحت "حکام آسمانی" و مذهبی بیپوشا نند. بر روی دولت ها که خود را بر حاکمیت طبقاتی بر طبقه ای بر طبقه دیگر یوده جان با سوا استفاده از نا آگاهی توده ها بیپوشا کرده و جان با موانع مذهبی توده ها مله بدست رژیم های ارتجاعی قرار گرفته است که در ادبیات ملل مختلف به جملات و ضرب الملل های گونا گونی در پیوند اندود میخوریم. جملاتی نظیر "الدین و الملائکة ائمان" (پدشی مذهب و سلطنت حکم و قلوبها را دارند) در روسی نیز گفته است.

نی سی تخت شاهی بود دین بیای
نرمی دین بود یا دشا هی بجای

جشن با سنان یکدیگر می
توکوشی که در زیر یک جا دارند
در قرآن با دشا هی و فرما نروا شی مریحا "موهبتی الهی" تا شده شده جان که در باره او (پیمبر و الهی) یعنی خداوندید و یا دشا هی عطا کرد. "و زاده بطه فی العلم والحکم" (یعنی به دانش نیرومندی جسمی او افزود) این همان است که در قانون اساسی مشروطیت بصورت جمله "سلطنت موهبتی است الهی... در آمده است. در سراسر تاریخ بردگی و فئودالی به نمونه ها دشا هی بر میخوریم که حتی ملکان ادعای خدائی میکردند. ما نند فرعون و شاد و تصور دوما در چین با دشا بودن خود را بتفسیر می کرده اند ما نند سلیمان و داود (بقول برخی از محققین) کوروش در اسلام حکومت و ریاست مذهبی و دینی بعنوان "ولی امر" منطبق شده و رسمیت پیدا میکند پیغمبر اسلام و خلفا و نمایندگان آنان حکومت خویش را حکومت الهی، متکی بر اراده آسمانی و فوق بشری شمرده خود را اما موا میرالمومنین نامده و اطاعت بی چون و برای مردم از خود را واجب شرعی تلقی نموده و تخلف از آنرا سرپیچی از فرمان خداوند و مستحق عذاب جهنم دانستند. این وضع در قرون وسطی در اروپا به اوج خود میرسد. وحدت دین و سیاست تا مس منبند. منافس با دشا ها و روحانیون علیرغم رقابتها که کما و سر بر تمام جیبیم بیشتر از قدرت پس آنها وجود داشته کا ما نیکدیگر بیوند میخورد. در سراسر قرون وسطی که به قرون سیاه و تاریکی لقب گرفته کلیسا و روحانیون که قدرت مطلقه را در دست داشتند و می املاک زمینها و ثروتهای عظیم در بد قدرت آنها بود. مدافعین سر سخت جهل و تاریکی، خرافات و اعتقادات بوسیده تاریخی بودند. چرا که حاکمیت آنان با عقب ماندگی، جهل و خرافات توده ها بیوند میخورده بود آنان با تمام مظاهر علم، ترقی و پیشرفت و تمدن سرچنگ داشتند

سروش کالبله که مجرم اعتقاد به کردی زمین و مقابله با اعتقادات حکومت کلیسایی بهای اعدام رفت و ده ها وعده انقلابی و روشنفکران آزما ن نمونه های روشنی از مقابله ارتجاع مذهبی با پیشرفت و تمدن بسوده. دوران انگیزا بسون و تغشیش غذا بسدکه در آن حکومت های کلیسایی هزاران نسن را در اروپا با نما مگهروا لجا دسوزاندند از بسا هنرین دوران حاکمیت کلیسایی بود. در سراسر دوران قرون وسطی فئودالیم بر کردگی با دشا ها و روحانیون فجع - ترین سوا استفاده ها را از عقب ماندگی توده ها در جهت حاکمیت خویش نمودند. آنان به توده های نا آگاه طبقات بیست را می فروختند و سواد نا آگاه را به حاکمیت سی خیر را و آن دنیای خویش را با پرداختن پول سه روحانیون سعه می نمودند. دیگر نمونه های غم انگیز تاریخی حنک های ملیسی است. با دشا ها و روحانیون مریع کلیسایی در جهت کشور کشائی خویش میسویسنان از توده های رنکس را روانه بیت المقدس نمودند تا آنها را از لوث وجود ملحدین و کفار رجات دهند. آنان چنین تبلیغ نمودند که ز ادکا مسیح مقدس و "بیست الارض" بدست کفار افتاده و خداوند چنین مقدر کرده است که ما بدان دست کفار سیرون دادوهرکس در این راه کشته شود مستقیما به بهشت میرود. نتیجه این شد که آنها مدها هزارتن از توده های زحمتکش و نا آگاه را در جنگ های کشی که بر اه انداختند در راه مطامع فاکرانه و کشور کشائی با نه خویش قربانی نمودند. وحدت بین دین و سیاست در دوران ما قبل سرما بسده داری صنعتی همچنان ادامه دارد و تنها همزمان با پیدایش سرما بسده داری و شکل مل میا زده طبقاتی حداثی دین از سیاست مطرح میشود و پیوندگان بورژوازی امثال ولتر و نویسندگان داتره الصفا و فرانسه بشوید خویش دست به مبارزه با عقاید و خرافات مذهبی میزنند.

انقلاب بورژوازی سرانجام با پیروزی پیغمبر فئودالیم حاکمیت کلیسایی را پس زد و در سوا به روشنگری ما تریا لیم و علوم مختلف در بجه توبیتی سوسی تکامل و ترقی جا معه یا کشود. بورژوازی کلیسایی را پس زد ولی هرگز به این معنی نبود که خود از دین بی نیاز بود. برعکس بورژوازی به دین نیاز فراوان داشت و گوشید دین را ابنا در جها ر جوب حاکمیت سرما بسده داری در حاشیه به خدمت بگیرد. و گرفت. بسورژوازی نیاز به این داشت که توده ها همچنان در جهل و تاریکی باقی مانده و استثنایک را امتیازات طبقاتی، اطاعت و تسلیم نسبت به خداوندگان زورور امری محتوم و لاینتمیر تلقی شود.

هم اکنون در اروپا که سرما بسده داری آخرین درجه تکامل خویش را گذرانده است. کلیسای در حاشیه سیاست قرارداد را در ما در خدمت آنست. بورژوازی آنرا از تمامی آن عرصه های که مغل رشد و تکامل خویش بود. همانند صنعت، علوم... سیرون را بند و آنجا که در خدمت حاکمیت خویش و ادا مخرجان استثنایک رکنان رگسکان بود پیشرفت و بکار گرفت.

در ایران همزمان با نفوذ تمدن جدید از انقلاب مشروطه، اندیشه حداثی دین از سیاست ("لاشتمیه") عمدتا در سطح روشنفکران مطرح شد و روحانیون از ما که قدرت دور شدند. هر چند آنها ده های سرما بسده داری در ایران بیشتر با به گرفت نفوس سیاسی روحانیون نژور به تحمیل رفت و روحانیت به کنج مساحدانده شد. اما راه روحانیت با سیاست هرگز قطع نشد. روحانیت ایران تا قبل از تنصیر و تحولات ۳۹ تا ۴۲ عمدتا در تائید هیئت حاکمه و در سار شاه فراداشت و سلطنت را برای توده ها تائید و تشویز میگرد. سیاستهای بر جودی، کاشائی و

سیاری از روحانیون بزرگ و حتی خمینی (رجوع کنید به کتاب کشف الاسرار تا لیب خمینی و نقد آن در پیکار ۶۰۰) تنها ما در جهت تا شدد در باره او اسیر کاشافه های سین روحانیت و در باره پیش آمده است و این رابطه شکر آب شده است. در رابطه با حنک قدرت میان آنان بوده است که در هر صورت تلاش می شده است. مریکدیگر حفظ کنند در باره ای ۳۹ تا ۴۲ که در رابطه با تافته های امیرا لیمتها در ایران فضای سیاسی ایران با زشد و افشا ریدیکتا توری کاسته شد. روحانیت ایران از دو موضع متفاوت با رفصهای شاه در افتاد سختی از روحانیت مشغله از زاویه فئودالیسی مخالفت با املاک تاریخی شاه برخواست به دفاع از فئودالیسم بلند شدند. یعنی دیگر از آن برهبری خمینی و نما بسدگی خرده بورژوازی سختی و تحار رسکساز علیرغم اینکه از لحاظ روحانی همچنان بر فرهنگ مشودالی بای میفشرند و از این زاویه با تنها جسم فرهنگ امیرا لیمتی و سرما بسده داری مخالفت می نمودند (مخالفتنا شرکت زنان در انتخابات ۶۰۰) اما در مجموع مخالفت و مبارزه انقلابی خرده بسورژوازی سختی را در برابر امیرا لیم و بسورژوازی وابسته متمسکی می نمودند و به همین دلیل شوا استند توده های وسیعی را در دنبال خویش بگشا نند. این بخش بسرا ای کشانند توده ها به میدان سیاست با اندیشه وحدت دین و سیاست. به میدان آمده و این اندیشه را ابنا و وسیله ای در جهت بسج توده ها در برابر بردن خویش که همان دشمن توده ها میز بود. قرا دادند و توده ها نیز بدلیل عقب ماندگی عمومی جا معه و بسج سوسی تا بودی. تمامی شاهها و مجاری متعارف میساز زده سیاسی توسط رژیم شاه، و نیز اینکه منبر و مسجد تنها سنگری بود که در دسترس توده ها قرار داشت توانستند از همین سنگر مبارزه خویش را بر علیه امیرا لیم و رژیم شاه پیش برند.

به این ترتیب صرف نظرا ز در کئی که روحانیت از وحدت دین و سیاست داشت و سرانجام آن را به عنوان ولایت قبه بعد از قزیا م عرضه نمود. آنچه توده ها از آن می فهمیدند عبارت از این بود که مبارزه خویش را علیه امیرا لیم و ارتجاع میبشنی. برتفا دعینسی طبقاتی شان با سنت ها و اعتقادات کهن خویش تطبیق داده و لباس دین برای آن میپوشا نند و درست از همین زاویه هم روحانیت میتوانست بر آن سوار شده و خود برای دست گرفتن رهبری جنبش توده ها آنرا هر چه بیشتر بسج خویش تبلیغ نماید.

و اما سرانجام بدلیل مخالفتی که در ابنا ضرورتی به سختی و آن نیست، روحانیت بعد از قزیا م بسا اندیشه وحدت دین و سیاست بتدریج بر قدرت سوار شده قانون اساسی ای را حاکم کرد که توده ها در حاشیه جوب حاکمیت سرما بسده داری، کامی بعقب بود. استبداد دینی با استبداد سرما بسده داری توام گشت فجع ترین و کشنف ترین سوا استفاده ها از جهل و عقب ماندگی و نا آگاهی توده ها، برای ادا م حیات نظام طبقه ای. شروع شد حاکمیت سرما بسده داری وابسته ابنا رسمون حاکمیت بی چون و چرا ای خداوند تلقی شد. طبقان و مخالفت بر علیه آن به مخالفت با خدا و رسول او تلقی شد دفاع از سرما بسده داری و شمشیر زدن در راه آن، جهاد در راه خدا و بند تبلیغ شد قوانین فیملمکی و قسرون وسطی (نظیر قانون قضا در خدمت سرما بسده داری قرا گرفت و به این ترتیب با ریدیکر در گوشه آئی از جهان و ابنا در ریک نظام سرما بسده داری فهمیترین جنایات و کشن را در زیر پرلوی دین و حاکمیت خدا و رسولش، آغاز زکشت.

تقدیر از صفحه ۸ ساعت ...

مکرر در تبلیغاتی جمهوری اسلامی ظاهر میشود و دستان رژیم خمینی را که طی ۲ ماه گذشته حداقل بیست و هفتاد تن از بهترین فرزندان کمونیست و انقلابی ایران آخته است مستشار؟ رژیم که حتی در منا بستهای تاریخی انقلاب فلسطین بدمت اجازه میداد که برنامہ - ای تلویزیونی و یا حضورناندگان ما از فلسطین آرا بسخس اجرا شود، این روزها فریبکارانۀ خون شهدای فلسطین و آسرو انقلاب فلسطین را وجه الممالحہ فرار داده و سازمان آزادیبخش فلسطین را با این سیاست خود، بر این فریبکاری صدمه میگذارد.

آری، دو سال و نیم است که کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی ایران در معرض سرکوبی و حسیانۀ فرار دارند، مبارزان و کشتار در شهرها و دهکده های کردستان و قتل عامهایی که با داور کشتار در سراسر کشور و کفر قاسم است تنها نمونۀ ای از جنایات رژیم در سراسر ایران می باشد (اگر توجیه کنید که آغاز یورش به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ در برسرپوش "روز قدس" صورت گرفت، عمق فاجعه را عمیقتر نشان میدهد - کنید) ، با کثرتین فرزندان خلقهای ایران که در مبارزه علیه رژیم شاه و در زندانهای او و سپس در دوران قیام مہمن و پس از آن، تربیت شده و یک نسل انقلابی را بوجود آورده اند، همه روز در گروه های جهل تاشی و پینچا تاشی بدون محاکمه به جوخه های اعدام سپرده میشوند که در میان اینان از کودکان ۱۲-۱۰ ساله و زن بارداران بهترین دوستاران خلق و انقلابی فلسطین نظیر رفیق شهیدنا حسن فاضل (با می) قرار داشته اند که با آنها در کنار رژیمندگان فلسطین جنگیده و همسازان آن فتح بود!

رژیم جمهوری اسلامی با سازای سرمایه داری وابسته، با افزودن هر چه بیشتر بر فقر و رگسزبان و زحمتکشان، با سازش با امپریالیسم آمریکا و تقدیم رایگان میلیاردها دلار از ذخایر ایران به امپریالیست های آمریکا، با مادم زدن و ادا مچنگ ارتجاعی بین ایران و عراق و آوار کردن بیش از ۲ میلیون از هوطنان زحمتکش ما، با تصویب و اجرای وحشیانہ ترین قوانین قرون وسطایی نظیر لایحه قصابی، با بست زدن به جمعترین سوا استفاده از احساسات مذهبی توده های نا آگاه، با بستن دانشگاهها و بخون کشیدن هزاران تن از انقلابیون و کمونیستها، سه عبات تنگین خود ادا مدهد... در چنین شرایطی است که نماینده شما در تهران، بر طبق سیاست حاکم بر سازمان آزادیبخش فلسطین به حمایت از رژیم خمینی بر میخیزد و از نیرنگ جدیدی که زیر عنوان "جبهه اسلامی برای آزادی فلسطین" آسوی رژیم مطرح شده است، حمایت میکند. رژیم جمهوری اسلامی از این نیرنگ جدید چه هدفی دارد؟

امروز رژیم ارتجاعی خمینی در داخل و خارج شدیداً متفرد و منزوی گشته است و روابط آن حتی با شما، شما همین اواخر بسیار سرد بوده است، توهم توده ها نسبت به رژیم بسیار ریخته شده و نا رضایتی و مقاومت توده ها علیه آن هر روز شدت بیشتری میکشد بطوریکه رژیم دست به سرکوبی متمرکز و دیوانه وار و بی سابقه در تاریخ ایران زده است، در چنین شرایطی است که ضد انقلاب حاکم برای محرف کردن افکار توده ها در داخل و جلب حمایت از خارج به یک فریبکاری تازه دست زده است و پس از تاشی مفره و رسوای "روز قدس" که "ها هوای بسیار بر سر هیچ" بود به زوال دیگر رژیم های مرتجع منطقه که هرگاه متفادان ما توده ها سه مرحله ای را دو تمین کنند میرسد، شما دانسته بر جسم فلسطین را بدست میکشید و دستک آسرا به سینه میزنند. تا خود را از خطر انقلاب توده ها "نجات" دهند، اینتها د

میدهد که یک "جبهه اسلامی برای مبارزه با صهیونیسم و آزادی قدس" (۱) تشکیل شود و سیاست شما علیه رژیم آگای از این امر که این سیاستها دهج محتوایی جز فریب و دروغ ندارد آن هم از آمیخته دو بیعتا شد و حمایت آن میسر دارد، چه رسد به این رژیم ارتجاعی - آسوی میکشد و توهم توده های نا آگای می گسد از ما هست ارتجاعی و سیاستهای غاشقانہ این رژیم آدمکش غیر نادرند ما فزاید، ما قاطعاً ندانیم که میکنیم که توده های آگای ایران که خود برای آرمان فلسطین احترام و اهمیت فراوان قائلند و در راه آن از هیچ چیز دریغ نکرده اند این موضعگیری شما را بهیچوجه قابل توجیه ندانسته و آسرا محکوم میکند، انقلاب فلسطین، انقلابی است دمکراتیک - فدا میریالیستی که هم شما را خود را تنها در کار و کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی جهان مستواند نیاید، شما با چنین سیاستی در قبال رژیمهای ضد خلقی نظیر ایران، تنها به متحدان واقعی خلق فلسطین پشت می- کنید و در تقویت جبهه ضد انقلاب قدم برمیدارید، شما در شرایطی که حمایت از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میسر دارد و چه چهره قاتلان خلق را رنگ آسوی میکشد که نیرد زحمتکشان و نیروهای انقلابی ایران علیه امپریالیسم و رژیم شما که خمینی هر روز شدت بیشتری میکشد و رژیم، مستاصل از مقابل شما انقلاب، هر با مدام ددها کمونیست و انقلابی را اعدام میکند و توده ها را به ضرب فتوا و حکم تری به جاسوسی علیه فرزندان شما و امداد و دوگشتن زندانیان و مجروحان را مجاز میخواند بطوریکه هم اکنون ددها هزار زندانی کمونیست و انقلابی در معرض کشتار و اعدام و دروغها و تاشی و جزقانون سیاه جنگل و محاکم تفتیش عقاید سسرون وسطایی بر ایران حکم فرمائی نمی کند، از نظر توده های آگای و انقلابی ایران سکوت امروز شما در قبال جنایات رژیم خمینی، بهیچوجه و با هیچ بهانه ای قابل توجیه نیست و تا شید آن به مراتب غیر قابل توجیه تر!

ما نهادار امیدیم که این موضعگیری شما بیشترین لطمه را به آرمان عادلانۀ فلسطین در ایران وارد می سازد، ما ضمن تکرار موضع ثابت و همیشگی ما در حمایت اصولی از انقلاب دمکراتیک فدا میریالیستی خلق فلسطین، نسبت به اقدامات و سیاست ما از نگارانه - ای که سازمان آزادیبخش فلسطین در بسیاری از موارد متحمل در ایران بیش گرفته است اعتراض کرده و آنرا به زبان مبارزه مشترک خلقهای ایران و فلسطین آرزوایی میکنم.

پیروزی انقلاب در ایران و فلسطین، تنها سیاست یکپارچه انقلاب، مبارزه با سازکاریها و دروغها - داری به آرمان مشترک کارگران و زحمتکشان و انقلابیون دو کشور میسر است.

زنده ماندن انقلاب در ایران و فلسطین برقرار با دهمستی بین خلقهای ایران و فلسطین

مرکز بر رژیم جمهوری اسلامی و دیگر رژیمهای مرتجع و فریبکار منطقه
مرکز بر امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع
سازمان یکپارچه در راه آزادی طبقه کارگر
۱۳۶۰/۶/۲
بعد التحریر
هما نظیر که از تاریخ نام میدهد است، این تا سه بلافاصله پس از موضعگیری سفیر فلسطین در تهران به عنوان نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین، در قبال طرح پیشنهادی رژیم جمهوری اسلامی در شریک شکیست

"جبهه اسلامی برای مبارزه با صهیونیسم" (۱) نوشته شده و ما نظیر که گفته ایم این پیشنهاد رژیم و سرودها - های تبلیغاتی فریبکارانه حول آن به مناسبت جزئیات از سیاست رژیم برای بیرون آمدن از انزوای سیاسی که در داخل و خارج بدان دچار گردیده و نیز برای سر - پوش کردن بر سرکوب و حسیانۀ ای که امروز به شدت علیه انقلابیون بکار میبرد، طرح شده است.

روز بیستمین ۵ مرداد، تلویزیون رژیم خبری را بخش کرد که سازمان آزادیبخش فلسطین "اظهارات شتابانۀ خود در تهران را بعنوان موضع رسمی غسود تلقی نمی کند" اما رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، در اعلامیه میبهد خود روشن نکرده که خبر غریبند اسطحه از اسرائیل توسط ایران را تا به می کند یا نه؟ همچنین در موضعگیری میبهد خود به بهانه "عدم خالصت در امور داخلی کشورها" توضیح نداده که در قبال اعدام - های دسته جمعی و حمام خونی که رژیم در کشور ما به راه انداخته است چیست؟

اما رژیم جمهوری اسلامی که حتی از این موضعگیری میبهد و ناگافی رهبری سازمان آزادیبخش شدیداً یکس خورده بود، چاره ای ندید که در بیان خبری که نقل کردیم با غافله کند که "توطئه کمب دیوبند" در منطقه رومبه کشتار است و با این سخن موضعگیری سازمان آزادی - بخش فلسطین را در عدم حمایت از رژیم ایران جزئی از توطئه آمریکا و انمود کرد، و یکبار دیگر نشان داد که اگر مسئله فلسطین برای رژیم جمهوری اسلامی سودی در بر نداشته باشد، و نتوان آنرا ملصقه قرار داد، سازمان آزادیبخش فلسطین، در نظر جمهوری اسلامی، "مربکائی از اب در میآید!"

ما ضمن اینکه موضعگیری اخیر سازمان آزادی - بخش فلسطین را کامی در جهت جلوگیری از لکسهدار شدن حیثیت انقلابی خلق فلسطین آرزوایی میکنیم

آنرا میبهد و ناگافی دانسته آنرا بهیچوجه یا سخنی انقلابی به آنهمه تبلیغات مزورانه و غیبتا نت آمیز رژیم از مسئله فلسطین که این روزها با کسرتدکی و شدتی بیش از گذشته عملی میشود نمیدانیم.

تکذیب صریح حمایت فلسطین از رژیم حلاله و خونخوار خمینی و محکوم کردن جنایاتی که بدست این رژیم علیه انقلابیهای ایران و فلسطین انجام میسرود حداقل انتظار ای است که کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی ایران از انقلاب فلسطین دارند!

رفقا!
با تقدیر از کمک های مالی شایان توجه و گرانبهای شما، کمک های مالی خود را از هر طریق ممکن برای سازمان ارسال نمایید.

سیاست سازمان آزادیبخش فلسطین در قبال رژیم ایران بزبان خلقهای ایران و فلسطین

نامه سرگشاده سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به سازمان آزادیبخش فلسطین

را عملاً فرا موش کرد و سه حمایت از رژیم خمینی برخاست خلیجهای ایران و نیروهای آگاه آن، انرا سدا صد که خمینی رژیم و ساداعای حمایت از فلسطین و هفتاد بیست آمریکا و اسرائیل فقط صد نفر است توده ها و نشست ها کمیت ضد خلقی خود را دارد و به همین دلیل است که هیچک از انتظاراتی که مردم فلسطین از انقلاب ایران داشتنند برآورده نشده است و البته ما تمام ما بدن انقلاب ایران، بدست این رژیم، آن خواستها نمی توانسته برآورده شود. رژیم خمینی ما ما هست ارتجاعی و ضد خلقی خود، تنها نمی توانسته سواستفاده از انقلاب فلسطین برای توجیه حاکمیت سیاسی خویش فکری کند و بر تافته دین خود نوشته ها سرپوش بگذارد. رژیم ایران، با راز این عدم فرا ترکذارد و با رهبا علیه انقلاب فلسطین توطئه کرده که شما خود از آن ما - خبرید: از کوشش برای ایجاد تفرقه بین مسلمانان و غیر مسلمانان فلسطینی گرفته تا امر بر سر دو رویه اصطلاح انقلاب اسلامی به فلسطین و حمایت و سرور دادن ما زمان ارتجاعی "امل" (که امروز بعنوان آلت دست رژیم ایران و مزاحمی برای انقلاب فلسطین حتی ملی لیستان عمل میکند) و تشریح نسبت شما سخن عملی سفارت فلسطین در تهران و ما لاخره خرید سلاح از اسرائیل که افتتاح آن اخیراً شد رژیم خمینی را در سطح جهان باز کرده است. هر چند ما بکمال بیسیستی دال بر خرید بیوزی از اسرائیل توسط رژیم جمهوری اسلامی را افتخار کرده به توده های ایرانی و فلسطین در باره ما هست رژیم خمینی هتاداده بودیم در مورد تناس نیروهای انقلابی ایرانی با سفارت فلسطین ما بدکفیت که هیچ فرد انقلابی ایرانی امکان تماس با سفارت فلسطین در تهران را ندارد. معجزان و دوستان واقعی خلق فلسطین اگر به سفارت مراجعند کنند از سوی عمال و جاسوسان رژیم شامی و سوسله ما موران ملح دولتی دستگیر میشوند و وجهه ما اعدام در انتظاران ما شد! همچنین قاطعانه میتوان گفت که امروز هیچ خبری برای سفارت فلسطین در تهران، ممنوع تر از تماس با انقلابیون ایرانی نیست! رژیم ایران همتا نمایی فلسطین و فارغ از محتوای انقلابی می خواهد تا سواستفاده از آن برای توجیه حمایتهای خود، استفاده کند.

برادران مبارز!

اکنون سیمیم (علاوه بر آنچه گفته شد) ما زمان آزادیبخش فلسطین، درجه شراپتی به حمایت از رژیم ایران برمی خیزد و سفير فلسطین، طبق کدام است، بقیه در صفحه ۷

در حمایت سیاسی و نظامی از انقلاب فلسطین و شرکت در نیروهای گوناگون خلق فلسطین علیه امپریالیسم، امپریونیسم و ارتجاع این سببند مشترک در سالهای گذشته شمعات خود را در حمایت انقلاب فلسطین از انقلاب خلیجهای ایران علیه رژیم شاه نشان میداد: مراکز وابسته به انقلاب فلسطین در سالهای گذشته، در هر جای دنیا، بهترین سا ها که انقلابیون ایران بودند و انقلاب فلسطین انواع کمکهای سیاسی، نظامی و مادی را در اختیار انقلابیون رزمنده ایران قرار میداد. در سالهای گذشته، با راه ها ها شش، مزورانه به سازمان آزادیبخش فلسطین پیشنهاد کرده که در تهران دفتری بگشاید، به این قصد که با ادهای حمایت از آرمان فلسطین، توده های مبارزان ایران را فریب دهد (یعنی همان کاری که امروز رژیم جمهوری اسلامی انجام میدهد) و علاوه بر آن انقلابیون ایران را از حمایت انقلاب فلسطین محروم سازد. در آن زمان نیز گزارش های سازشکارانه ای در سازمان آزادیبخش فلسطین وجود داشت که میخواست این پیشنهاد مزورانه را به خانشان را بپذیرد (!) ولی مخالفت نیروهای انقلابی و دموکرات درون این سازمان و مشورتی که با مسلمانان نیروها با انقلابیون ایران کردند مانع از افتادن سازمان آزادیبخش فلسطین در دام شاه گردید. ما در زمان سال ۵۲ طی نامه ای رسمی خطاب به اداره سیاسی سازمان آزادیبخش، قاطعانه چنین سیاستی را که مفهومی سکوت در برابر رجحانات رژیم شاه شش بود محکوم شدیم.

برادران مبارز!

من سابقاً تادم اکنون نیز ما شاد اعمال حسنان سیاسی از سوی شما هستیم، رژیم جمهوری اسلامی و در راس آن خمینی، سوار فریبکارانه تر از رژیم او، امروز آرمان فلسطین و عنق توده های ایران به آزادی فلسطین را ملغمه دستهای حنا شکار و بوسه رنگ خود قرار داده است. شما خود آگاهید که رژیم جمهوری اسلامی تاکنون هیچگونه کمک قابل توجهی (مزد اعانه های بوج!) به انقلاب فلسطین نکرده است. با رفتن سفارت فلسطین در تهران و تقدیم هرگونه کمک مادی و سیاسی و نظامی به خلق رزمنده فلسطین، خواست واقعی توده های ایران بود، همان کاری که انقلابیون ایران در سالهای گذشته میکردند ولی سیاست شما، گشایش سفارت فلسطین را عملاً "مرحمت رژیم خمینی" میداد است و عنصر غم بخشه خواست توده های انقلابی فلسطین است، کمونیستها و انقلابیون و کارگران و زحمتکشان ایران

بادرودهای انقلابی به خلق قهرمان فلسطین برادران مبارز!

کسانی که این نامه را می نکارند، طی سالهای که از عمر انقلاب فلسطین می گذرد، نزدیکترین روابط انقلابی را با انقلاب فلسطین داشته اند و در حمایت از آرمان فلسطین، چه در محله های مبارزاتی ایران و چه در ساک های انقلاب فلسطین، در حمیدهای جنگ در ستان سره ۱۹۷۰ (علیه رژیم ارتجاعی ملک حسن در اردن) و در لیبان (در مقابل ما امپریونیستها و فاشلیستها) و در دیگر مستکرها ی انقلاب فلسطین، دوشادوش خلقی رزمنده فلسطین شریک شده اند. سرپوش مشترک خلیجهای ایران و فلسطین و سببند مبارزاتی آنان علیه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم، امپریونیسم و ارتجاع و تلاش بیکروما دفا نه در راه آزادی کامل فلسطین، همواره بر روابط بین نیروهای کمونیستی و انقلابی ایران با انقلاب فلسطین، بر توافقت است. از همین جا و تحکیم و طبقه انترناسیونالیستی است که ما امروز خود را محمی دانیم موضع سازمان آزادیبخش فلسطین در قبال رژیم جمهوری اسلامی ایران را مورد بحث و انتقاد قرار دهیم. سازمان ما، به تبادت کلیه انقلابیون فلسطینی که با کمون در جریان موضعگیری نیروهای مبارز ایرانی در قبال ما به فلسطین بوده اند، فعلاً نه ترین و صمیمانه ترین حمایت ها را از انقلاب فلسطین نموده است. سازمان ما بی هیچ جنبه انشی از حمایت سیاسی متقابل، به دفاع از آرمان فلسطین، شما ساندن انقلاب فلسطین به سه کارگران و زحمتکشان ایران و افشای دشمنان نقابدار خلق فلسطین - که رژیم جمهوری اسلامی یکی از سر - دم داران و وضع آنست - برداخته و در این راه همواره کوشیده و رزمیده است. زیرا انقلاب فلسطین به مثابه یک جنبش رهائی بخش ملی جرئی از جبهه انقلاب جهانی بیولتاریاست.

برادران مبارز!

همه شما از احساسات عمیق و ما دفا نه زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی ایران در قبال ساله فلسطین آگاهی دارید و میدانید که خلیجهای فهران ما چگونه در برابر اشغالگران اسرائیلی از ما لیبها بیش موضعی مبارزه جو ما نه داشته اند: از اجترافات ضد اسرائیلی هنگام اشغال فلسطین در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) گرفته تا قطع روابط دیپلماتیک با اسرائیل در زمان دکترممدق، تا اجترافات توده های علیه روابط رژیم شاه شش ما امپریونیستها در سالهای ۲۰ و ما لاخره

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق